

در تدارک اول مه روز جهانی کارگر!



از تجارب خود بیاموزیم!

گفتگو با آزاد زمانی در باره تدارک اول مه

مظفر محمدی: اول مه روز جهانی کارگر در راه است. قاعدتا کارگران از پیش در تدارک برگزاری مراسم های خود هستند. اول مه امسال ویژگی ای هم دارد. انتظار می رود که در جریان انقلابات و تحولات خاورمیانه امسال در بعضی از این کشورها از جمله مصر و تونس و حتی عراق و کردستان عراق شاهد میتینگ و تظاهرات های بزرگ کارگری باشیم. در کردستان هم این سنتی جا افتاده است. شما هم به عنوان فعال کمونیست و هم دست اندر کار نهادهای اجتماعی در کردستان، اول مه های زیادی را بخصوص در شهر سنندج تجربه کرده اید. اولین سوال من این است که کارگران معمولا چگونه به استقبال این روز می روند؟ چکار می کنند و شیوه ها و روش کارگران برای تدارک جمععات و مراسم های کارگری شان چگونه است؟

آزاد زمانی: آزاد زمانی: کارگران و فعالین کمونیست کارگری میدانند که اول مه در راه است. همانند سایر مناسبتها و جشنهای اجتماعی که برای مردم اهمیت دارد، برگزاری اول مه برای کارگران و خانواده های کارگری از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کمونیست ها و فعالین کارگری چند ماه زودتر از اول مه تلاش خود را آغاز میکنند. راهکارها و موانع را بررسی میکنند، محدودیت ها را بررسی میکنند. روشهای متحد کردن کارگران و دخالت آنها را در شرایط موجود در دستور کار میگذارند. سراغ تشکیل مجمع عمومی، جلسه های تدارک اول مه، تشکیل کمیته اول مه در محل کار و شهرها می روند. تبلیغات، بحث و تبادل نظر بر سر مراسم اول مه در شبکه های اجتماعی کارگران شروع میشود. مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران در محافل و شبکه های اجتماعی مطرح می شود. شور و شوق فرا رسیدن اول مه در میان کارگران به احساس همبستگی و همدلی در جامعه تبدیل می شود.

ص ۳

اعلامیه حزب حکمتیت به مناسبت اول مه

اول مه روز اتحاد و شکل طبقاتی کارگران

ص ۷

باید امیدوار بود!

گفتگو با دیبا علیخانی

اکتبر: در سالهای اخیر، ما شاهد حضور زنان در مراسم های اول مه روز کارگر بودیم. شما به عنوان یکی از مدافعین حقوق برابر زن و مرد و فعال "جامعه حمایت زنان"، حضور زنان در این روز را چگونه ارزیابی می کنید. آیا شرکت زنان در بزرگداشت روز کارگر با انگیزه طبقاتی است یا برای اعتراض به تبعیض جنسی و اساسا طرح خواستههای زنان در این روز است؟

ص ۸

شعار اول مه!

قرارداد یکجانبه افزایش

۹ درصدی دستمزد را باید پاره کرد!

مظفر محمدی

در باره ی افزایش ۹ درصدی دستمزدها یعنی چیزی حدود قیمت یک کیلو گوشت، تنها می توان به دولت و سرمایه داران گفت: شرمناک باد!

امسال دولت مستقیما و حتی یکجانبه طرف حساب کارگران سر مسئله دستمزد شد. در حالی که در شورای عالی کار نمایندگان کارفرما به افزایش دستمزد در سال ۹۰ رضایت داده بودند، وزیر کار دولت عبدالرضا شیخ الاسلامی گفت دستمزدها امسال افزایش نمی یابد. شمس الدین حسینی وزیر اقتصاد و دارایی هم گفت نباید مطلقا به افزایش دستمزد تن داد.

این درحالی است که بعضی از کارفرمایان افزایش ۱۰ درصدی و اطاق بازرگانی و صنایع و معادن چیزی در آن حدود را مد نظر داشتند. به این معنی شورای عالی کار که قرار است نماینده کارگر، نماینده کارفرما و نماینده دولت بعنوان نظارت کننده باشد هم، کشک است. پوچ است. در اینجا دولت است که تصمیم می گیرد. دلایل این است که دولت خود مستقیما بخش اعظم کارخانه ها و منابع ثروت را هنوز در کنترل دارد. بخش دولتی سرمایه داری ایران هنوز وزنه ای سنگین است و پشت آن بسیج و سپاه و دولت احمدی نژاد قرار دارد. حال حساب کن سرمایه دار باشی، دولت هم باشی و ارتش و بسیج و سپاه و وزارت اطلاعات داشته باشی و بروی به جنگ کارگری که تشکل سراسری پیشکش، تشکل صنفی هم ندارد. دولت و سرمایه داران برای عدم افزایش دستمزدها دلایل متعددی دارند:

- وزیر اقتصاد می گوید: به محض اینکه دستمزدها را افزایش دادیم کارفرما فوراً قیمت اجناس تولیدی را بالا میبرد و این به ضرر کارگر است. بنابراین بجای افزایش دستمزدها بیاییم پوشش تامین اجتماعی کارگران و کارمندان را تامین کنیم تا دستمزد پایدار باشد و قیمت ها نوسان نکند!



زنده باد سوسیالیسم



- میگویند، کارگران یارانه نقدی گرفته اند و این بخشی از درآمد آنها است و قدرت خریدشان را بالا می برد. جالب این است که قبلا وقتی یارانه ها را میدادند نمی گفتند این هم جزو دستمزد و حقوق شما است. قبلا از ۱۴ قلم به عنوان اجزایی از دستمزد نام میبردند. مثل عیدی، مرخصی یک ماه در سال، سنوات خدمت، کار شیفیتی، حق اولاد، کمک خواربار، کمک مسکن، پاداش افزایش تولید، حق بیمه، بیمه بیکاری، ایاب و ذهاب، هزینه غذای کارگر، حق لباس و... که جمعا حساب میکردند ۳۰۰۰۰۰ تومان در ماه و می گفتند کجا کارگر ۳۰۳ هزار میگیرد، ۶۰۰۰۰۰ میگیرد.

- حالا آمده اند، یارانه نقدی را هم جزو دستمزد و حقوق حساب میکنند. این دیگر رندی و حقه بازی بی شرمانه است. به کارگر می گویند از آنور ازت گرفتیم، حالا یک سومش را پس میدهیم و این هم جزو حقوق شما است!

- بن کارگری را هم به این سناریو اضافه کرده اند و آمده اند گفته اند ۲۰ هزار تومان شد ۲۸ هزار تومان این هم جزو حقوق تان

- میگویند، اگر دستمزدها افزایش پیدا کند، برای بنگاههای اقتصادی صرف نمیکند و ورشکست میشوند. یا مجبورند بخشی از کارگران را اخراج یا بقول خودشان تعدیل کنند. بنابراین کارگر باید بین افزایش دستمزد و حفظ شغل یکی را انتخاب کند. این مسئله ورشکست شدن و غیره هم حقه بازی است. این در حالی است که کارفرما هم سودش سرچاپش هست و هم از دولت سوبسید میگیرد.

- یک معیار دیگرشان نرخ تورم است. امسال گفته اند نرخ تورم حدود ۱۱ درصد است. در حالیکه خودشان میگویند این نرخ بالای ۲۵ درصد است. دروغ میگویند تا مسله دستمزدها را بر اساس آن تعیین کنند. تازه این کار را هم نکرده اند ۹ درصد به جای ۱۱ درصد دروغی شان!

- علاوه بر این ها توجیهات سرمایه دارانه زیادی دارند. صلاح مملکت،

مصلحت تولید، مصلحت میهن، مصلحت اسلام... کارگر را در صورت مساله خودشان شریک میکنند. گویا بحران و تورم و سود میکند یا نمیکند و رقابت و غیره، همه به کارگر هم مربوط است. کارگر هم باید از دستمزدش مایه بگذارد تا سرمایه سود بدهد و سرمایه دار کارخانه اش را نگه دارد یا پولش را به گردش بیندازد.

اما معیار کارگر برای تعیین و افزایش دستمزد، مخارج خانواده اش است، زندگی در رفاه و محاسبه تورم و گرانی است. حتی خود ماده ۴۱ قانون کار میگوید، میزان دستمزد باید نیاز خانواده ۴ نفره کارگری را تامین کند. و تامین نیاز خانواده کارگر یعنی کم تر از خط فقر که یک میلیون توماندر ماه است نباشد. با وجود همه اینها، کتاب اقتصاد کارگر سفره اش است. کیفیت زندگی اش است. کمتر از هیچکس نخورد و نپوشد و نخرد. بورژواها چطور زندگی میکنند؟ چرا کارگر باید کم تر از آنها و پایین تر از آن ها زندگی کند!

متاسفانه طبقه کارگر در موقعیت کنونی در توازن قوای نامساعدی با دولت و سرمایه داران قرار دارد. بخشی از کارگران هنوز حقوق های معوقه دارند. بخشی از طبقه کارگر، قانون کار شاملشان نمیشود. بیکاری وسیع، لشکر کار ارزان را برای سرمایه داران فراهم کرده است. تشکل کارگری مستقل ممنوع است. علاوه بر خانه کارگر، انجمن های صنفی که کانون عالی اش را هم درست کرده اند، همگی در کنترل خودشان است. کارگر پراکنده است. سرکوب کارگران و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری، و هزار و یک دلیل دیگر هم هست.

با وجود این ها و در شرایط کنونی طبقه کارگر نباید و نمی تواند به این تصمیم یکجانبه دولت و سرمایه داران تمکین کند. قرار و تصمیم یکجانبه دولت را باید به زباله دانی ریخت.

طبقه کارگر اعلام می کند که: اولاً، افزایش دستمزد ها دیگر نمی تواند، مساله فصلی و سالانه و غیره باشد. این مالیده است. طبقه کارگر اعلام می کند که مساله دستمزد امری روزمره است. همانطوریکه تورم و گرانی روز و ماه و سال نمی شناسد و منتظر آخر سال نیست.

دوما- اول مه در پیش است. مهمترین خواست طبقه کارگر افزایش دستمزد است و این می تواند استارت حرکتی و جنبشی بر سر افزایش دستمزد ها باشد.

سوما- تشکل های کارگری از جمله سندیکای شرکت واحد، هفت تپه، اتحادیه آزاد و انجمن صنفی برق و فلزکاران کرمانشاه ...، یک منشور دارند که یکی از بندهایش افزایش فوری حداقل دستمزدها با اعلام نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگری است. این منشور باید به منشور کل طبقه کارگر تبدیل شود.

چهارم و بالاخره، جنبش های انقلابی منطقه و همجوار ایران که نیروی اصلی و محرکه اش طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه اند، خواستار رفاه و دستمزد بیشتراند. طبقه کارگر ایران نمی تواند از این اوضاع مستثنی باشد و تاثیر نگیرد.

فاکتورهای عینی و ذهنی برای عروج جنبش های اجتماعی و طبقاتی با خواسته های بزرگ و در راس آن رفاه و افزایش دستمزدها وجود دارند.

افزایش دستمزدها متناسب با تورم و گرانی و متناسب با نیاز خانواده کارگری و تعیین آن از جانب نمایندگان واقعی طبقه کارگر به عرصه مرگ و زندگی طبقه کارگر تبدیل شده است. این جنگ و جدالی طبقاتی و مداوم بین طبقه کارگر و دولت سرمایه داران در ایران است. طبقه کارگر می تواند و باید در دل این مبارزه بر پراکندگی خود فایق آمده و متشکل و متحد گردد. قرارداد یکجانبه افزایش ۹ درصدی را باید پاره کرد. اعلام این قرارداد ننگین، پایان مساله دستمزدها نیست. این تازه آغاز مبارزه طبقه کارگر علیه این قرارداد و برای افزایش دستمزدها است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

در تدارک اول مه

اول مه روز جشن جهانی کارگران است. مردم در سراسر دنیا به مناسبت های مختلفی جشن میگیرند. به استقبالی مراسم ها می روند. تجمع میکنند. رژه میروند و فستیوال راه می اندازند. در بسیاری از کشورها برگزاری اول مه آزاد است. اما در ایران شرایط فرق دارد. نهاد های حکومتی یا برگزاری اول مه را برای کارگران ممنوع اعلام میکنند یا برگزاری این روز را به مراسم های دولتی و غیر کارگری محدود مینمایند.

به همین علت برای کارگر و فعال کارگری برگزاری اول مه و استقبال از آن اهمیت ویژه ای دارد. هرتلاشی برای سازماندهی، تدارک و برگزاری اول مه بخشی از مبارزه طبقاتی در جامعه محسوب می شود. نتیجه این تلاش طبقاتی است که اول مه را به یک جشن کارگری تبدیل میکنند.

کارگر و فعال کارگری از زاویه منفعت اجتماعی و طبقاتی خویش به مسایل، اتفاقات، مراسم ها و غیره می پردازد. اول مه جشن طبقاتی است از همین رو کارگران و فعالین کارگری با وجود همه محدودیت ها تلاش میکنند. اول مه را جشن بگیرند.

طبقه کارگر در سطح جهان و در ایران تجربه ها و سنت های متنوعی را در برگزاری اول مه دارد.

کارگران و فعالین کارگری ایران با وجود سرکوب و فشارها از طرف رژیم اسلامی در سی سال گذشته مراسم ها و میتینگ های مهمی را در اول مه برگزار کرده اند. در میدان کار و فعالیت تجربه ها کسب کرده اند.

راهها و روشهای مختلفی برای برگزاری اول مه در شرایط موجود قابل اتکاست. دخالت توده ای و متشکل کارگران در این مراسم ها یک رکن تعیین کننده برای برگزاری جشن اول مه است که باید رهبران عملی و کمونیستهای کارگری به آن توجه کنند.

مراسم ها میتواند در ابعاد کارخانه ای، کارگاهی، شهری و سراسری برگزار شود. پرداختن به ابعاد این مراسم ها در وضعیت کنونی به تلاش رهبران کارگری و فعالین اول مه بستگی دارد. فعالان اول مه در هر شهر و مرکز کارگری باید توازن قوا و راهکارهای ممکن را پیش روی کارگران بگذارند. از پیچیده کردن و نسخه های فرا اجتماعی برای برگزاری مراسم ها بپرهیزند. جمع شدن و جشن گرفتن را برای مردم کارگرو زحمتکش جامعه سهل و قابل

دسترس کنند.

برای جلب افکار عمومی، اطلاع رسانی به بخش های مهم کارگری در کارگاهها، کارخانه ها، مراکز کارگری و محلات مختلف شهر مهم است. رایزنی با نماینده کارگران در هر مرکز صنعتی و کارگری مهم است. فضای محیط کارگاه و کارخانه را باید به فضای رفتن بسوی اول مه تبدیل کرد.

یک سنت جا افتاده در شهرهای کردستان و دیگر شهرهای ایران برای تدارک اول مه این هست که فعالین کمونیست و رهبران عملی در مراکز کارگری کمیته های اول مه را تشکیل می دهند. این کمیته ها نقش بسیار مهمی را می توانند ایفا کنند. همانطور که تجربه کرده ایم، کمیته ها میتوانند در مراکز کارگری تشکیل شوند. در محلات کارگری تشکیل شوند. هر مرکز و محلی برای مراسم اول مه کمیته و نماینده تعیین کنند. در سطح یک شهر میتواند یک کمیته متشکل از نماینده همه کمیته ها و بخش های کارگری تشکیل شود. به مراتب در سطح سراسری تر و فرا شهری این کمیته ها میتوانند وارد عمل شوند و بطور مشترک با هم برای اول مه برنامه داشته باشند. مطالبات سراسری را طرح و درستورکار مراسم ها بگذارند.

برگزاری مجمع عمومی در محل کار و زندگی کارگران این روزها به مناسبت برگزاری اول مه بسیار با اهمیت است. مجمع عمومی ها دخالت مستقیم کارگران را تامین میکند. حمایت از فعالان اول مه را تضمین میکنند. این روزها جمع شدن و تصمیم گیری برای برگزاری مراسم میتواند در محل کار و کارخانه، محلات شهرانجام شود.

مظفر محمدی: جمع بندی شما از تجمعات کارگری به مناسبت اول مه در سالهای اخیر، چیست؟ لطفا مختصری از این تجارب و بخصوص نمونه های موفق آن را چه انجایی که خود شرکت داشتید و یا شاهد بودید را با مثال و فاکت بازگو کنید.

آزاد زمانی: درسها و تجربه های اول مه برای کارگران، کمونیست های درون جنبش کارگری ارزشمند و قابل اتکاست. درسهایی که مبین مبارزه مستمر طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری است.

اول مه جلوه ای درخشان و یکی از عرصه های پیکار اجتماعی - طبقاتی در جامعه ایران و کردستان است. همه مراسم های اول مه در ابعاد کوچک و بزرگ تجربه های ارزشمند جنبش کمونیستی کارگری هستند. رهبران و

فعالان کمونیست باید از این تجارب به مثابه راهنمای کار و فعالیت اجتماعی خویش استفاده کنند.

از برجسته ترین تجربه های اول مه، مراسم سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۶۸،

۱۳۸۳ در شهر سنندج است. چندین ویژه گی این مراسم ها را از سایر مراسم ها دیگر متمایز تر می کند. مهمترین ویژگی مراسم ها علنی بودن آنها بود. ویژگی دیگر اتکا به تشکل و سازمان کارگری اجتماعی در این مراسم هاست. تشکل های کارگری در راس سازماندهی و رهبری این مراسمها بودند. در سال ۶۵ تا ۶۸ تشکل "اتحادیه صنعت گران"، در سال ۷۸ و ۸۳ سندیکای کارگران خباز و کانون دفاع از حقوق کودکان، جامعه حمایت از زنان تشکل های کارگری و اجتماعی در راس این مراسم ها بودند. این تشکلهای به اتفاق کارگران نساجی کردستان، شاهو، کارگران شهرک صنعتی، کارگران فصلی و سایر بخش های کارگری نقش اساسی را ایفا کردند. محتوی سخنرانی ها، قطع نامه ها و مطالبات مطرح شده در این مراسمها هر کدام به نوبه خود الهام بخش سایر مراسمها ی اول مه و تحرکات کارگری و اجتماعی در دو سه دهه گذشته بوده اند. این مراسم ها مستقل از خانه کارگرها و نهادهای دولتی برگزار شدند. توده های وسیعی از مردم کارگر و زحمتکش جامعه بانی و برگزار کننده اول مه ها بودند. قدرت متشکل و اتکا به نیروی اجتماعی موانع و کارشکنی نهادهای دولتی را پس زد. زمینها را هموار کرد. ترس ها را فرو ریخت. کارگر متشکل را به صحنه جامعه آورد. شکل های مبارزه جمعی و همبستگی کارگری را در جامعه عینیت داد. به سالها پراکندگی و بی افقی کارگری و اجتماعی پایان داد. کارگر و انسان متشکل را در برابر نظام سرمایه دار قرار داد. سنت های غیر اجتماعی و بی ربط به کارگر و جامعه پایان داد.

مراسم سال های ۷۶، ۷۸ و ۷۹ از دل چندین مجمع عمومی سندیکای کارگران خباز سنندج و حومه درآمد. این مراسم با مشارکت کارگران شاهو، نساجی کردستان، کارگران شهرداری سنندج، کارگران گازرسانی ها و سایر بخش های کارگری برگزار شد. نهادهای دولتی مانند خانه کارگر، حراست اداره کار و نیروهای امنیتی مانع تراشی کردند. مراسم دولتی راه انداختند. اما نتوانستند مانع اراده جمعی و آگاهانه رهبران و فعالین کارگری برای مراسم اول مه شوند. در همه این سالها ما برای اول مه ←



ها در محل کار کارگران مجمع عمومی کارگری برپا کردیم. مجمع عمومی برای اول مه کمیته ها و نماینده گانی انتخاب کردند. یکی از برجسته ترین کمیته های علنی و متشکل کمیته سراسر اول مه در شهرهای کردستان بود. این کمیته برای مراکز کارگری و شهرهای دیگر هیئت نمایندگی انتخاب کرد سخنگو برای اول مه تعیین کرد این کمیته با اداره کار و خانه کارگر به جنگ رفت.

از طرف کمیته اول مه شهر سنندج و مجمع عمومی کارگران خباز شهر سنندج هیئتی سه نفره برای هماهنگی با فعالین کارگری و سندیکای کارگران خباز شهر سفر و بانه و کامیاران اعزام شد. من یکی از اعضای این هیئت بودم. قطع نامه ها و مصوبات این کمیته با حضور فعالین کارگری در سفر، بانه و کامیاران به تصویب سندیکای کارگران خباز رسید. این تجربه ها برای نسل جدید رهبران عملی و کمونیست های جنبش کارگری آموختنی است.

مظفر محمدی: با وجود سنت قوی کارگری و با وجود فعالین کارگری و محافل کارگران سوسیالیست در میان کارگران، و علیرغم توجه جدی به اول مه ها، برای مثال در شهر سنندج ده ها هزار کارگر در مراکز صنعتی و کارگاه ها و خبازی ها و شهرداری و در همین حد هم کارگران بیکار، اما ما شاهد میتینگ، تجمعات و تظاهرات بزرگ و توده ای کارگری نیستیم. دلیل این کار چیست؟

آزاد زمانی: دلیل عمده نبودن تشکل های فراگیر کارگری است. محدود کردن تشکل های موجود است. غلبه سنت ها و روشهای غیر کارگری بر جریان حال تشکل های موجود است. به میان آمدن تشکل های زاید و غیر کارگری است که انرژی برخی فعالان کارگری را بخود مشغول کرده است. عدم توجه کمونیست و فعالان کارگری به قدرت خود کارگران است. انحرافات در جنبش کارگری، غلبه برخی گرایشات فرقه ای و بی ربط به امر طبقاتی و اجتماعی کارگران است. جمهوری اسلامی مانع بزرگی است. دولت و کارفرمایان نمی گذارند، مانع می شوند کارگران را تهدید میکنند.

فشار اقتصادی بر کارگران و ترس از اینکه کارشان را از دست ندهند، معاش خانواده شان را از دست ندهند. بیکارشان نکنند. نگرانی از اینکه به شرایطی بدتر از امروز گرفتار نشوند برای کارگر

و خانواده هایشان بازدارنده است.

کارفرما و حراست و اداره اطلاعات هم مرتب در گوش کارگران میخوانند که شرکت در مراسم اول مه جرم است. همیشه برگزارکننده گان اول مه را تهدید کرده اند بازداشت کرده اند زندانی کرده اند شلاق زده اند و اعدام کرده اند. کارگران سنندج تجربه تلخ اعدام رهبر کارگری خود جمال چراغ ویسی را بعد از اول مه ۶۸ دارند. حکم زندان و شلاق برای کارگران اول مه را در سالهای اخیر تجربه کرده اند.

در حال حاضر کارگران متشکل نیستند. نهادهای کارگری سرکوب شده اند. برای فعالین اول مه پرونده درست کرده اند. تشکل های اجتماعی سرکوب شده اند و تعطیل شده اند. گرایشات غیر کارگری هم بر روند پراکندگی و عدم انسجام کارگران و فعالین اول مه تأثیر گذاشته اند. اما کماکان از نظر من فاکتور تعیین کننده پراکندگی کارگران است. اگر طبقه کارگر بر این پراکندگی فایق آید، اگر به مجمع عمومی کارگری اش متکی شود، هر دشمنی خطرناک تر از جمهوری اسلامی رامی تواند سر جایش بنشانند و قدرت متحد و متشکل کارگری اش را تحمیل کند. اول مه یکی از این روزهای ابراز وجود قدرتمند کارگران است.

مظفر محمدی: بعضا گفته می شود که گرایشات مختلف درون کارگران، به جای توجه و تمرکز بر اتحاد کارگران و بسیج توده های کارگر و خانواده هایشان در روز کارگر، هر کدام به فکر همفکران و متحدین خود، هستند و سراغ توده های کارگر در مراکز کار و یا محلات زندگی را نمی گیرند. از جمله کمیته های کارگری و فعالین احزاب و جریانات سیاسی اند که این روش و سنت را دارند. برای مثال این جریانات تحت نام کمیته یا اتحادیه آزاد و غیره اغلب اعضای خود را جمع کرده و بهر شکلی ابراز وجود می کنند و یا حتی آنها را به نقاط خارج شهر می برند و تجمعات کوچکی و مراسمی برپا می کنند که آنهم به علت محدودیت این تجمعات، دولت توان سرکوبشان را دارد و یا دور از چشم ماموران رژیم کارگران از این فرصت محروم می شوند. در این مورد تجارب و مشاهدات شما چیست؟

آزادی زمانی: گرایشات مختلف سیاسی در میان کارگران و جامعه فعال هستند. هر کدام تأثیر خود را میگذارند. هر کدام منفعت خویش را دنبال میکنند، متحد و همراه برای خود و جمع خود پیدا

میکند. برخی دنبال مشغله های سیاسی و گروهی خود هستند. به منفعت طبقاتی کارگران، به مبارزه جمعی و وسیع کارگران توجه نمیکنند.

بعضی از این نهادها هم علاوه بر صداقت و تلاش آنها راهکارها و سنت های غیر اجتماعی را دنبال میکنند. فعالیتهایشان در عملا در جهت متحد کردن و گسترش مبارزه طبقاتی اجتماعی کارگران نیست.

بجای اینکه افکار جامعه را متوجه کار جمعی کارگران و قدرت اجتماعی کارگران بکنند. سعی میکنند کاری را در حاشیه نیروی وسیع کارگران به نمایش بگذارند که بیشتر فرا طبقاتی است غیر اجتماعی است محفلی است درحاشیه می ماند. نمادین است و نمی تواند به سنتی برای بخش های وسیع کارگران و جامعه تبدیل شود.

برای مثال سنتی از کار و فعالیت بطور مداوم توسط گرایشات فرقه ای و غیر اجتماعی انجام هر کار و فعالیتی را به سمت غیر علنی بودن هدایت میکنند. فعالیت سیاسی و فرقه ای را بر کار اجتماعی و متشکل ترجیح میدهند. کارگران را به گروگان فعالیتهای فرقه ای و محفلی میگیرند. امرشان سازماندهی طبقاتی کارگران نیست. میدان های مبارزه متنوع سیاسی و اجتماعی را بدرستی تشخیص نمی دهند کار علنی و قانونی را نمی توانند از کار حرفه ای و مخفی تشخیص بدهند. مرزهای فعالیت علنی و قانونی با مبارزه مخفی و حرفه ای برای این گرایش ها مخدوش است. کار متشکل در میان کارگران و اتکا به سازمان محلی و نیروی خود کارگران نزد باتیان این گرایشهای فرقه ای جایش را به محافل مافوق اجتماعی داده است. هزار و یک اسمان و ریسمان بهم می بافند که نسخه های غیر کارگری را بجای تشکل کارگران و فعالیت های اجتماعی و کمونیستی به خورد کارگر و جامعه بدهند.

روشها و سنت هایی که کارگر را از کانون قدرت خود دور میکند برای طبقه کارگر غیر پراکندگی و تضعیف شدن چیزی به ارمغان نمی آورد.

این روش از کار و فعالیت برای دستگاه دولتی و سرکوبگر قابل کنترل است. فعالین این عرصه بیشترین ضربات را می پذیرند. فعالیتهایشان به یک مراسم و یا دو مراسم محدود می شود. بیشتر کارهایشان علنی نیست اجتماعی نیست به همین خاطر خطر و ریسک پذیری زیادی را تقبل میکنند. برای دست اندرکاران این گونه مراسم ها اهمیت تبلیغی بیشتر از تداوم کار اجتماعی است.





اکثر این مراسم‌ها به جمع‌ها و محافلی کوچک محدود می‌شود. دردسترس همه کارگران نیست. رفتن به این مراسم‌ها برای کارگران شهر و کارخانه امکان پذیر نیست. مثلا مراسم در یک باغ هفتاد، هشتاد کیلومتری دور از شهر یا در دامنه یک کوه برگزار می‌شود. تنها تعدادی از کارگران و فعالین کارگری از آن خبر دارند. بقیه مردم و کارگران شهر از حضور در این مراسم‌ها محرومند. یا اینکه جرات نمی‌کنند و نرفتن را به ریسک‌پذیری و خطر ترجیح می‌دهند.

مثلا اگر بجای یک جمع یا محفل که می‌روند بنام کارگر اول مه را برگزار میکنند کارگران یک مرکز صنعتی یا شهرک صنعتی یا یک تشکل کارگری تصمیم بگیرند مراسمشان را هر جا برگزار کنند این معنا دارد حتی اگر مراسمشان برپا دنیا برگزار شود.

اگر کارگران شهرک صنعتی شهر سندانج، یا کارگران کارخانه سیمان درود خرم آباد یا کارگران هفت تپه اعلام کنند می‌خواهند اول مه را در یک پارک یا هر جایی برگزار کنند این معنا دارد مهم است.

مشکل اینجاست که یک محفل بنام کارگران می‌خواهد قدرت اجتماعی کارگران را دور بزند کارگر و توده زحمت کش جامعه را از توان و برد اجتماعی خویش محروم کند.

تا آنجا که تجربه‌ها به ما می‌آموزد مخفی کاری و قایم موشک بازی محفلی و غیراجتماعی بر کار و فعالیت سازمان دهندگان این مراسم‌ها حاکم است بعضی اوقات فعالین و دست اندر کاران این مراسم‌ها از دست همدیگر کلافه می‌شوند. ادبیات و زبان این جمع‌ها برای کارگران و توده وسیع مردم قابل فهم نیست. به جای مسایل کارگری و اول مه بیشتر سرگرم بحث‌های کش و قوس دار حاشیه‌ای هستند.

جنگ برسر یک بند از قطع نامه و یک شعار گنده با گرایش سیاسی خاص فضای این جمع‌ها را بخود مشغول کرده است. بحث‌ها و فعالیت‌ها سر راست به کارگر و جامعه مربوط نمی‌شود. به اول مه مربوط نمی‌شود. این دوستان فراموش کرده اند که اولین مارش اول مه در خیابانها رقم خورد. در شهر رقم خورد. در کشمکش کارگر و سرمایه دار در متن جامعه شکل گرفت. نه در کوه و بیابان خدا!

این سنت غیرکارگری است. در تقابل با سنت اجتماعی کارگران است. با هزار بار تاکید بر صداقت و شرافت فعالین این جمعها و محافل میتوان گفت که ما حصل این نوع

فعالیت‌ها در خدمت متحد کردن و گسترش مبارزه طبقاتی اجتماعی کارگران نیست. تجربه‌های عملی به ما نشان میدهد که در طولانی مدت به لحاظ معنوی چیزی جز یاس و ناامیدی برای فعالان این سنت و کارگران حاصل نمی‌شود.

در تقابل با این گرایش یک گرایش اجتماعی کارگری وجود دارد که سعی میکند مراسم‌ها را در سطحی علنی‌تر عمومی‌تر در مراکز کارگری و شهرها برگزار کند. تا آنجا که ممکن است توده‌های وسیعی از کارگران در روز جهانی کارگر شرکت کنند خانواده‌های کارگری و سایر شهروندان جامعه را به روز جهانی کارگر بیاورد جامعه را متوجه مبارزه طبقاتی کارگران بکند. با اتحاد و شرکت وسیع توده‌های کارگر و زحمتکش جامعه ترفندها و توطئه‌های دولت سرمایه‌داران و کارفرمایان را خنثی کند. برای رهبران و فعالان کارگری در این مراسم‌ها مصونیت اجتماعی تامین کند. اول مه را به جامعه ربط دهد مسایل و مراسم‌های کارگری را به جامعه تعمیم دهد. از پراکندگی و کارهای مقطعی و ماجرا جویانه بپرهیزد و به کار متشکل اجتماعی و توده‌ای در میان کارگران متکی است. این گرایش سنت و تاریخ اجتماعی خاص خود را دارد. تجربه‌های عملی را پشت سر نهاده است. مراسم‌های داخل شهر سندانج را در ابعاد چند هزار نفره برگزار کرده است مراسم‌ها را از مخفی گاهها و خارج از شهر به داخل شهر آورده است در سطح علنی جامعه مسایل کارگران را مطرح کرده است کيفرخواست کارگران را در مقابل سرمایه‌داران و دولت حامی آنها طرح و بیان کرده است. با وجود سرکوب و فضای شدید امنیتی فعالان این سنت برای برگزاری مراسم‌ها و تجمع‌ها در داخل شهرها و مراکز کارگری کوشیده اند. استدلال این گرایش این است که مبارزه کارگران یک امر علنی و روزمره است در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این مبارزه بطور مداوم ادامه دارد. اول مه در بعد طبقاتی اجتماعی و علنی آن معنا دارد و نباید تبدیل به مناسک فرقه‌های غیر کارگری شود.

مظفر محمدی: کارگران در کردستان یک نیروی عظیم اجتماعی اند. راه بسیج این نیرو برای برگزاری یک مراسم و جشن بزرگ کارگری از کجا باید شروع کرد. نقاط قدرت کارگران کجا است؟ برای مثال حتی اگر تنها کارگران خباز در همان محل سندیکای خود تجمعی برگزار کنند، تعدادشان به حدود ۵۰۰۰

نفر می‌رسد. با کارگران شهرک‌های صنعتی و یا کارگران بیکار و غیره. و اگر همه این بخش‌ها هم با هم هماهنگ و بسیج شوند تجمعات کارگری ده‌ها هزار نفری تشکیل خواهد شد. برای اینکه این اتفاق بیفتد چکار باید کرد. با توجه به اوضاع و احوال منطقه و تحولات اخیر آبان این ظرفیت و امکان وجود دارد؟

آزاد زمانی: از خود مراکز کارگری و در میدان‌های کارگری شهر باید شروع کنند. سندیکای کارگران سندانج و حومه‌ها پیش در حدود چهار هزار عضو دارد شرکت کارگران خباز با خانواده‌هایشان جمعیتی در حدود شش هفت هزار نفر را تشکیل میدهد. کارگران خباز بخش متشکل کارگری در شهرهای کردستان هستند. تجربه‌های گرانمایی در برگزاری مراسم‌های اول مه دارند. کارگران خباز در سالهایی که مراسم اول مه در سراسر ایران ممنوع بود جشن کارگر را در محل سندیکای سندانج برگزار میکردند. امروز اگر این چند هزار نفر در هر جای شهر محل سندیکا یا میدان‌های شهر جمع بشن مراسم اول مه تبدیل به یک عظمت اجتماعی می‌شود. کارگران سندیکا میتوانند دیگر بخش‌های کارگری را به مراسم‌های خویش یا مراسم‌های مشترک و فرا صنفی دعوت کنند. طبقه کارگر با حضور منسجم خود در ابعادی چند صد برابر می‌تواند فضای کل جامعه را تحت تاثیر خود قرار دهد. امسال اول مه میتواند سرآغاز یک حرکت عظیم کارگری در کردستان باشد. تحولات سیاسی و اوضاع منطقه و کشور ایران دخالت و تحرک بیشتر طبقه کارگر را می‌طلبد.

مظفر محمدی: اول مه‌ها اساسا روزی است که طبقه کارگر ادعای نامشروع را علیه سرمایه‌داری و در محکومیت کار مزدی و استثمار طبقه کارگر، به جامعه اعلام می‌کند. این هدف اساسی بزرگداشت اول مه است که طبقه کارگر به مثابه طبقه متحد اجتماعی نیرویش را به رخ سرمایه‌داران و دولتشان می‌کشد. این ادعای نامشروع از ژیتاسیون‌های فعالین و رهبران کارگری منعکس می‌شوند. اما همزمان و آنطور که معمول است، اول مه‌های کارگری با قطعنامه‌های رادیکالی همراه است. فکر می‌کنید داشتن یک قطعنامه شبیه سال‌های قبل یک نقطه قدرت است یا اساسا بدون قطعنامه بلند بالا هم می‌توان مراسم بزرگی داشت. مهمترین خواست کارگران در اول مه امسال که هم می‌تواند در سخنرانی و ژیتاسیون‌های کارگری





برجسته شده و یا در قطعنامه ای آورده شود، کدام است؟

میلیونی کارگران و مراسم های چند صد هزار نفری در مراکز و شهرها برگزار شود و قطع نامه و مطالبه ای طرح شود نتیجه چیز دیگری است برد و تاثیر گذاری به جای دیگری می رود. به نظرم قدرت اجتماعی و حضور علنی در مراسم ها تعیین کننده است. قطع نامه و بیانیه و پلاکارد زدن تابعی از نیروی اجتماعی کارگران است. اگر پشت این مطالبات نیروی عظیم کارگران نباشد قطع نامه رادیکال نوشتن و خواندن بیهوده است. بیراهه رفتن است کارگران را به نا کجا آباد بردن است.

اگر فعالین کارگری امسال کارگران و خانواده های آنان را در گرد هم آورند مراسم اول مه را به یک جشن اجتماعی کارگری تبدیل کنند دهها ، صدها و هزاران نفر در مراکز کار ، محلات شهر و پارک های عمومی جمع شوند و اعلام کنند که اول مه است جشن اول مه است آمدن کارگران و خانواده هایشان را به مراسمها آسان می شود. در این جمع ها میتوان از همه ابعاد زندگی طبقاتی کارگر و مردم جامعه صحبت کرد. از مرارت های محل کار و زندگی از عدم امنیت جانی و شغلی از دستمزد های ناچیز و هم دهها مورد دیگر میشود کارگران صحبت کنند حرفشون را بزنند. یک مطالبه مهم برای جنبش کارگری امسال مسئله تعیین حداقل دستمزدها از طرف دولت است که باید کارگران اعلام کنند این دستمزد کفاف زندگی کارگران رانمی دهد نا عادلانه است تعرض به صفره کارگران و خانواده هایشان است. باید کارگران خواستار تعیین دستمزد مکفی بر اساس سطح تورم در در جامعه شوند مطالبه

دستمزد مکفی یک امر فوری برای طبقه کارگر است .

مظفر محمدی: یک اول مه موفق از نظر شما چیست؟ یک تجمع توده ای و بزرگ و یک ابراز وجود قدرتمند؟ سخنرانی ها و آژیتاسیون های سوسیالیستی علیه سرمایه داری؟ یک قطعنامه رادیکال؟ آگاه شدن توده کارگران به قدرت و جایگاه اجتماعی خود؟ متحد تر بیرون آمدن کارگران و فعالین کارگری؟ طرح خواسته های رادیکال؟ و غیره. از نظر شما کدام یک از این ها و یا فاکتورهای دیگر، می تواند مورد نظر فعالین و رهبران کارگران باشد؟

آزاد زمانی: یک مراسم موفق مراسمی است که کارگران در مقیاس اجتماعی وتوده ای در آن شرکت کنند. در مرکز کار و شهرها باشد. مردم شهر بتوانند در آن شرکت کنند. کارگر قدرت اجتماعی خویش را احساس کند. کارگر بتواند دست اعضای خانواده اش را بگیرد و به محل مراسم برود. مراسم عمومی علنی وداخل شهرها به کارگران احساس امنیت میدهد. ریسک پذیری وخطر را کمتر میکند. امنیت رهبران و شرکت کننده گان مراسم را قدرت اجتماعی وتوده ای تعیین میکند. حضور وسیع در مراسم دست دستگاههای سرکوب گر را برای دستگیری رهبران و فعالان کارگری کوتاه میکند. صدای کارگر به به گوش صاحبان قدرت میرسد. مطالبات سیاسی واجتماعی کارگران را نمایندگی کند. اول مه با حضور علنی و وسیع طبقه کارگر جشن می شود.

آزاد زمانی: طرح ادعانه طبقاتی کارگران علیه نظام سرمایه داری یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است کیفرخواست کارگران تنها به یک قطع نامه و یک بیانیه محدود نمی شود کلیت نظام سرمایه داری از بیخ و بن مورد بازخواست طبقه کارگر است. اما رهبران اول مه و فعالین کارگری نباید انرژی خویش را بر سر جابجا کردن یک بند از قطع نامه و ادعانه چند ماده ای صرف کنند. قبل از هر بیانیه ای یا قطع نامه ای حضور میلیونی و وسیع کارگران تعیین کننده است تحمیل مفاد هر قطع نامه ای به دولت و کارفرمایان به توان و قدرت اجتماعی کارگران بستگی دارد. فعالین کارگری باید تا می توانند وقت خود را صرف سازماندهی و متحد کردن کارگران و دخالت بخش های وسیع کارگری بکنند. بلند بالا بودن قطع نامه بدون حضور توده های وسیع طبقه کارگر به جایی نمی رسد. تنها در سطح یک بیانیه باقی می ماند. اگر هزاران و ده ها هزار کارگر و خانواده هایشان به میدان شهرها بیایند و مراسم اول مه را برگزار کنند آن وقت قطع نامه و بیانیه های کارگری برش و بردش بیشتر می شود و طرف مقابل نظام سرمایه داری و حامیانش حساب دستشون میاید.

مثلا اگر یک جمعی در یک در باغ یا کوهی جمع بشوند و قطع نامه ای بالا بلند و رادیکال را بخوانند برای طبقه کارگر چه سودی دارد؟ در مقابل اگر صف

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!



مردم آزادیخواه کردستان!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی ، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها ، دفاع از حق برابر زن و مرد ، حق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است.

گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند

زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید.

تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان و رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد.

فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.

اعلامیه حزب حکمتیست به مناسبت اول مه

اول مه روز اتحاد و تشکل طبقاتی کارگران

هیچ زمانی امکانات بشر برای رفاه و آسایش و امنیت، به اندازه امروز مهیا نبوده است. هیچ زمانی سطح تکنیک، و ثروت در دنیا به اندازه امروزی بالا نبوده است. اما هیچ زمانی فاصله طبقاتی و میزان محرومیت انسان از امکاناتی که خود ساخته، به اندازه امروز عمیق نبوده است. هیچ زمانی دامنه توحش بورژوازی علیه طبقه کارگر به اندازه امروز عریان و گسترده نبوده است. با این وصف بورژوازی در تلاش است که هر روز دامنه اقتدار خود بر امکانات و ثروت جامعه را در خدمت سرمایه داران و علیه طبقه کارگر افزایش دهد.

سال گذشته شاهد وسیعترین تعرض بورژوازی به سطح معیشت طبقه کارگر و اخراج و بیکارسازی، زدن حداقل دستمزد و امکانات و دستاوردهایی بودیم که این طبقه در طول چند صد سال تلاش و مبارزه بدست آورده بود. همزمان دولتهای بورژوائی بیلاردها دلار از ثروت جامعه را به بانکها و مراکز تولیدی اختصاص دادند تا آنها را از بحران اقتصادی نجات دهند و سر پا نگهدارند، پولی که میتوانست به بسیاری از مشقات میلیونها نفر، فقر و محرومیت آنها خاتمه دهد. این تعرض افسار گسیخته با بوق و کرنا و به کمک ماشین عظیم میدیای نوکر، به اسم، نجات اقتصاد ملی و به نام مردم و کارگر و انسان ستمدیده، از جانب هارترین و ضدکارگری ترین جناحهای بورژوازی در مقام دولت و به اسم منفعت عموم پیش برده شد.

سال گذشته در عین حال سال وسیعترین اعتراضات طبقه کارگر و مردم محروم در فرانسه، انگلستان، آمریکا، پرتغال، یونان، تا کل خاورمیانه به بی حقوقی، بیکاری، فقر، محرومیت و استبداد بود. سالی که طبقه کارگر و مردم تونس و مصر برای اولین بار طعم انقلاب و به زیر کشیدن دولتهای فاسد را به نیروی خود آزمایش کردند سال تحولات وسیع انقلابی که کل خاورمیانه و شما آفریقا را در برگرفت و کل جهان را تحت تاثیر خود قرار داده است و موجی از امید و شادی و اعتماد به نفس را به بشریت متمدن، به طبقه کارگر و ستمدیدگان

بخشیده است. تحولاتی که کل بورژوازی، کشورهای امپریالیستی و دولتها مرتجع عرب را در ماتم فرو برده است.

اول مه روز اتحاد و همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان علیه سرمایه روز اعلام کیفرخواست این طبقه علیه نظام سرمایه داری، علیه کار مزدی و بردگی این طبقه است. اول مه روز اتحاد جهانی طبقه کارگر، روز به اهتزاز در آوردن پرچم طبقاتی ما با شعار "کارگران جهان متحد شوید"، است. روز اعلام حمایت از کارگران مصر و تونس و اعلام همسرنوشتی کل طبقه کارگر جهانی است.

سال گذشته بورژوازی ایران با قطع سوبسیدها و تحمیل گرانی و بیکاری وسیع به طبقه کارگر با تحمیل خط فقر بیش از یک میلیون تومان و اعلام ۳۳۰ هزار تومان دستمزد کارگران بیش از پیش به نیروی کار طبقه کارگر چوب حراج زد. اول ماه مه برای ما فرصت و فرجه ای است که در همه مراکز کار و در محلات کارگری، با صفی متحد علیه این گستاخی اعتراض کنیم. اگر کارگران نفت، ایران خودرو، ذوب آهن، هفت تپه و شرکت واحد و... در محل کار خود جمع شوند و اعلام کنند: "بیانه شورای عالی کار و افزایش ۹ درصد دستمزد را پاره میکنیم و این سند بردگی و حقارت را نخواهیم پذیرفت"، اگر کارگران شاغل و بیکار و خانواده هایشان در محلات کارگری مهمترین شهرهای ایران دور هم جمع شوند و همین یک مطالبه را اعلام کنند، طبقه کارگر ایران گام بزرگی در جهت اتحاد صفوف خود و برای کسب مطالبات خود خواهد داشت. اول ماه مه فرصتی است تا کارگران ایران در محل کار و در محلات کارگری متحدانه یک بار دیگر اعلام کنند که افزایش دستمزدها، حق تشکل و بیمه بیکاری در راس خواست و مطالبه این طبقه قرار دارد و حول آن صف خود را متحد می کنند.

رفقا!

نسیم انقلاب کارگران و مردم مصر و تونس و تحولات انقلابی در کشورهای عربی، دنیا را فرا گرفته است. مردم ایران، کارگران و صف آزادیخواهی امروز بیش از هر زمان تحت تاثیر این فضا قرار گرفته است. از این فضا باید بیشترین استفاده را در جهت اتحاد صفوف خود در تشکلهای مستقل کارگری کرد. این فضا و امیدی که در دل ما زنده شده است، فرجه ای برای ما است تا صفوف

خود را متحد کنیم، تا دستهایمان را در دست هم بگذاریم، تا جنبش مستقل طبقاتی خود را در مقابل بورژوازی ایران از سیاه و سبز و... آن، برای دفاع از مطالبات خود به میدان آوریم.

تجارب همه مبارزات بر حق و همه تحولات انقلابی، تجارب اعتصاب عظیم کارگران فرانسه، اعتراض وسیع کارگران انگلستان، و تجربه صدها سال مبارزه ما برای بهبودی در زندگی، باید برای طبقه کارگر ایران این درس را داشته باشد که بزرگترین قیام تهیدستان دنیا، وسیعترین اعتصابات و اعتراضات خیابانی در فقدان صف آگاه و متحد کارگران، در فقدان تشکل طبقاتی خود و در فقدان یک پرچم روشن کارگری میتواند به دست بدست شدن قدرت میان جناحهای بورژوازی بیانجامد، و کارگران علیرغم هر تلاش و جانفشانی تنها به ارتش ذخیره طبقات دیگر تبدیل شوند. این تحولات بیش از هر زمان نیاز طبقه کارگر به اتحاد و تشکل طبقاتی خود، به پرچم روشن سیاسی خود و به حزب کمونیستی، رزمنده و انقلابی خود، را در مقابل ما قرار داده است.

اول مه فرصتی است که رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر دور هم جمع شوند، به محور اتحاد کارگران در محیط کار خود تبدیل شوند، آنها را حول مهمترین مطالبات خود متحد کنند، تلاش کنند حصارهای تفرقه افکنانه (رشته ای، قومی، ملی و جنسی و...) را بشکنند و پایه های همدلی و همسرنوشتی را میان صفوف خود تقویت کنند. اول مه و همه تلاشهای ما در این مناسبت باید قدمی در راه خودآگاهی و بالا بردن اتحاد صفوف کارگران و ایجاد همبستگی در میان آنها باشد. اول مه میتواند سرپلی باشد برای ایجاد پیوندهای ادامه دار میان فعالین و رهبران کارگری برای پیشبرد اعتراض روزانه و نبردی که در جریان است، برای بهبودی در زندگی خود و همه محرومین، و بستن سدی در مقابل پورش بورژوازی به طبقه کارگر و به کل جامعه.

اول مه در عین حال فرصتی است که نسل جوان تحصیل کرده طبقه کارگر در کلیه مراکز تحصیلی، صف جنبش زنان برابری طلب و همه آزادیخواهان، حول پرچم آزادی و برابری، همراه کارگران به این همبستگی طبقاتی بپیوندند.

هر سال در اول مه سر و کله خانه کارگر و شوراهای اسلامی برای تحمیل کارگران پیدا میشود. آنها تلاش میکنند، بر

باید امیدوار بود!

گفتگوی اکتبر با دیبا علیخانی

اکتبر: در سالهای اخیر، ما شاهد حضور زنان در مراسم های اول مه روز کارگر بودیم. شما به عنوان یکی از مدافعین حقوق برابر زن و مرد و فعال "جامعه حمایت زنان"، حضور زنان در این روز را چگونه ارزیابی می کنید. آیا شرکت زنان در بزرگداشت روز کارگر با انگیزه طبقاتی است یا برای اعتراض به تبعیض جنسی و اساساً طرح خواسته های زنان در این روز است؟

دیبا علیخانی: زنان همیشه در مراسم های اول ماه مه حضور فعال داشته اند. خواست و مطالبات رادیکالی مطرح کرده اند که هر کدام از آنها می تواند روشنگر راه تغییر زندگی میلیونها کارگر در سراسر دنیا باشد. اگر دفتر تاریخ فعالیت های اول ماه مه را در سالهای اخیر ورق بزنیم این مهم به وضوح پیدا است. یادم هست چند سال پیش وقتی تمام تلاش خانه کارگر و مراکز دولتی این بود که بیکاری و فقر و فلاکت را در جامعه با اخراج کارگران بی اجر و مزد افغانی

توجیه کند شعار ما زنان در مراسم اول ماه مه در تهران ودانشگاهها محکوم کردن اخراج کارگران افغانی و افشای شگرد و قبحخانه خانه کارگرها بود. این تنها نمونه ای از ابعاد حضور زنان در اول ماه مه ها بوده است. زنان همیشه پایه پای مردان پرچم پایان دادن به توحش، تبعیض جنسی، بی حقوقی کارگر و... را به دست گرفته اند. در واقع نمی شود تفکیک کرد که زنان با انگیزه اعتراض علیه تبعیض جنسی یا با انگیزه ی طبقاتی یا به این میدان گذاشته اند چون زن کارگر هم زن است و طبق قوانین تبعیض آمیز موجود، هستی اش از روی زمین ساقط شده است و هم کارگر بی اجر و مزد خانگی است که همواره بهشت زیر پایش و اجرش به قیامت موکول میشود.

اکتبر: در میتینگها و مراسم های روز کارگر، هنوز شرکت زنان به نسبت مردان کارگر بسیار کم تر است. با توجه به اینکه شرکت خانواده های کارگری (زنان و فرزندان کارگران) در کنار کارگران بسیار حیاتی است، دلایل یا موانع عدم شرکت و یا محدودیت شرکت خانواده های کارگران در مراسم ها و جشن های اول مه چیست؟

دیبا علیخانی: به نظر من نه فقط حضور زن کارگر در مراسم های اول مه کم رنگ است بلکه جای خالی توده عظیم مردان کارگر هم کاملاً ملموس است. با مروری بر اول مه های سالهای گذشته واضح است که توده وسیع کارگران در مراسم های اول مه حضور ندارند و ما بیشتر شاهد حضور فعالین کارگری و روشنفکران هستیم. موانع متعددی سر این راه هست از عدم آگاهی کارگر به ابتدایی ترین حقوقش تا تفکیک حسابگرانه کارگران با ترفند قراردادهای مختلف که به ظاهر منافع آبی و در دسترس کارگران را متفاوت جلوه می دهد و مهم تر از همه نداشتن حق تشکل و آزادی بیان است. طبیعی است کارگری که تشکل ندارد، سخنگو ندارد، خودآگاهی طبقاتی اش ضعیف است، افق و چشم اندازی برای تغییر وضع موجود نمی بیند و دو دستی کلاهش را می چسبید تا خانواده اش این حداقل را از دست ندهد.

اما اگر طبقه کارگر، زن و مرد و خانواده اش را جزو طبقه خودش بداند، جای خالی زنان کارگر و خانواده هایشان در مبارزات کارگران و در اول مه ها هم باحضور زنان و خانواده های کارگری پر خواهد شد. باید امیدوار بود.

میتواند جهانی را فتح کند، قادر است نه تنها حملات روزمره به معیشت و کار خود را عقب بزند، که ریشه استثمار و ستم را برای همیشه بشکند و جهانی آزاد و برابر برای همگان بسازد. طبقه کارگر تنها با پرچم کمونیسم و با گرد آمدن در حزب کمونیستی اش میتواند پرچم انقلاب کارگری را برافرازد و این دنیای وارونه را از قاعده بر زمین بگذارد.

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

زنده باد اول مه

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران-

حکمتیست

۱۸ فروردین ۱۳۹۰ - ۷ آوریل ۲۰۱۱

خود بکشاند. این جنبش با همه طیف رنگین کمان خود، به عنوان نماینده بخشی از بورژوازی ایران و بر شانه های چپ بورژوازی، زیر نام جنبش جاری، جنبش اعتراضی و... می خواهد طبقه کارگر به سرباز تحقق اهداف ارتجاعی جناح سبز بورژوازی ایران تبدیل شود.

بخشی از خودآگاهی طبقه کارگر افشای کامل جنبش ارتجاعی سبز، افشای ماهیت عمیقاً ضدکارگری این جنبش و خانه کارگر و کل تشکلهای دولتی است.

طبقه کارگر راهی جز به میدان آمدن و دست بردن به قدرت خود برای تعیین تکلیف نهایی و قطعی با دشمنان طبقاتی اش، با دولت بورژوازی و طبقه حاکم، ندارد. قدرتی که در کار و تولید خوابیده است، قدرتی که اگر به حرکت در آید

↳

بستر فضای مختنق و سرکوب و ممنوعیت تشکل مستقل کارگری، بر بستر زندانی بودن فعالین و رهبران طبقه کارگر، کارگران را به مراسم های دولتی بکشاند. تلاش میکنند با نق زدنهای خود، اعتراض و نفرت عمیق طبقه کارگر را مهار کنند و در کنترل دولت و تشکلهای دولتی نگهدارند. جای کارگران نه مراسم های خانه کارگر و شورا های اسلامی که صف مستقل کارگری در مقابل دولت و ابزارهای کنترل اعتراض طبقه کارگر است.

جنبش سبز نیز بر بستر سرکوب اعتراض طبقه کارگر، بر بستر سرکوب هر نوع اعتراض رادیکال و آزادیخواهانه، میکوشد که کارگران را به صف جنبش

اکتبر روز دوشنبه هر دو هفته یکبار منتشر میشود

آدرس ایمیل تماس و ارسال مطلب برای اکتبر:
mozafar.mohamadi@gmail.com

سر دبیر:
مظفر محمدی

سایت اکتبر:

www.oktoberr.org

تماس با دبیر کمیته کردستان

عبدالله دارابی:

darabiabe@yahoo.com

روابط عمومی کمیته کردستان

سالار کرداری

Rawabet.omumi.k@gmail.com